

# روابط بین‌الملل؛ پاشنه آشیل حیات اقتصادی

بررسی موانع برونگرایی اقتصاد ایران در گفت‌وگو با محمدمهدی بهکیش

شناسه خبر: ۲۵۹۶۶

مجله تجارت فردا- شماره ۲۵۹

اخبار ایران (اقتصاد)

تاریخ انتشار: شنبه ۲۸ بهمن ۱۳۹۶

محمدمهدی بهکیش می‌گوید: تا زمانی که روابط بین‌المللی را متناسب با نیازهای تجاری-صنعتی تغییر ندهیم، رونق به کسب‌وکارها برنخواهد گشت و تولید و تجارت روزبه‌روز محدودتر خواهد شد.

«فعالیت‌های اقتصادی در هر کشوری بدون بهره‌گیری از رابطه با جهان بیرون از خود، محکوم به نابودی است.» محمدمهدی بهکیش، دبیرکل کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)، با تأکید بر اهمیت برونگرایی در فعالیت‌های اقتصادی کشورها، تصریح می‌کند: «هیچ کشور در حال توسعه‌ای در دهه‌های اخیر بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی به رشد مناسب دست نیافته است.» این اقتصاددان در عین حال معتقد است به‌رغم اهمیت بهره‌برداری از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، در شرایط بین‌المللی موجود جذب سرمایه خارجی عملاً بسیار مشکل شده است. او می‌گوید: «تا زمانی که شرایط ناامنی فعلی ادامه داشته باشد، جذب سرمایه خارجی در حدی که منجر به رشد شود غیرممکن می‌شود.» بهکیش هشدار می‌دهد: «فقدان رابطه روان با همسایگان و کشورهای تأمین‌کننده مایحتاج کشور دو مشکل عمده به وجود می‌آورد. از یک طرف هزینه تولید بسیار بالا می‌رود و محصولات تولیدی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و کشور به صورت روزافزونی به واردات روی می‌آورد که نتیجه آن بیکاری گسترده است و از طرف دیگر فساد در لابه‌لای فعالیت‌ها رخ می‌کند و چون سرطانی تمام وجود کشور را فرا می‌گیرد.» او معتقد است اگر روابط خارجی سامان یابند، محیط کسب‌وکار داخلی هم شروع به بازسازی و نوسازی خواهد کرد.



شما در بسیاری از تحلیل‌های خود در چاره‌جویی برای خروج از وضعیت فعلی اقتصاد ایران، در نهایت به برونگرایی می‌رسید. چرا برونگرایی از نظر شما این‌قدر اهمیت دارد؟

به یک دلیل کاملاً مشخص. به این دلیل که فعالیت‌های اقتصادی در هر کشوری بدون بهره‌گیری از رابطه با جهان بیرون از خود، محکوم به نابودی است. اتحاد جماهیر شوروی کشورهای اقماری را به آن دلیل به مجموعه خود پیوند می‌داد که یک کشور نمی‌تواند به تنهایی همه نیازهای خود را تأمین کند. ولی به‌رغم اینکه اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای بی‌شماری را در قلمرو ارتباطی خود درآورد، به دلیل محدودیت روابط اقتصادی و فقدان رقابت به ضعف گرایید و در سال ۱۹۹۱ منهدم شد. کشور ما نیز از این قاعده

مستثنی نیست. ما مجبوریم برای بهره‌گیری از منابع خود با کشورهای دیگر روابط تجاری روان و مستمر داشته باشیم تا امکان رشد و توسعه را برای مردم کشورمان فراهم آوریم و مهم‌ترین نیاز آنان - یعنی امکان اشتغال در شغلی مناسب - را برای آنان تامین کنیم. بدون داشتن روابط روان تجاری با کشورهای مختلف حیات اقتصادی ما در معرض خطر قرار می‌گیرد. چند مورد در بخش‌های اقتصادی موضوع را روشن‌تر می‌کند.

اولین نیاز جامعه رشد و توسعه است. برای تحقق رشد اقتصادی نیاز به سرمایه‌گذاری داریم. سرمایه‌گذاری از سه مسیر تامین می‌شود: دولت (در قالب بودجه عمرانی)، سرمایه‌گذاری خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی.

اگر به روال رشد کشورهای همسایه دقت کنیم در برخی از آنان هر سه منبع سرمایه‌گذاری فعال بوده‌اند و در برخی از آنان سرمایه‌گذاری خارجی پررنگ‌تر بوده است. ولی هیچ کشور در حال توسعه‌ای در دهه‌های اخیر بدون جذب سرمایه‌گذاری خارجی به رشد مناسب دست نیافته است. کشورهای چین، کره جنوبی، مالزی و ترکیه مثال‌های خوبی در این زمینه‌اند.

کشور ما نیز مجبور است از سرمایه‌گذاری خارجی بهره‌برداری کند به خصوص که بودجه عمرانی کشور بسیار محدود شده است. ولی در شرایط بین‌المللی موجود جذب سرمایه خارجی عملاً بسیار مشکل شده است. تا زمانی که شرایط نامنی فعلی ادامه داشته باشد، جذب سرمایه خارجی در حدی که منجر به رشد شود، غیرممکن می‌شود.

**به نظر می‌رسد در گذشته تنها به یک وجه از برونگرایی که به واردات مربوط می‌شود، توجه شده است اما امروز سنگینی تحلیل‌ها بر این مساله متمرکز شده که برای دستیابی به رشد بالا و پایدار باید کالای ایرانی را صادر کرد. جز این، چه الزامی برای برونگرایی داریم؟**

به جز این، در بخش تجاری به شدت محتاج به تعامل در روابط بین‌المللی هستیم. خرید کالا از بازارهای خارجی امری عادی در روابط بین‌المللی است ولی زمانی که ریسک کشور زیاد می‌شود هزینه‌ها به شدت افزایش می‌یابد. فراتر از آن زمانی که بانک‌ها به صورت عادی با کشورمان کار نمی‌کنند علاوه بر هزینه، ناطمینانی نیز به روند معاملات افزوده می‌شود. اگر علاوه بر آن دو، بانک‌های خارجی بتوانند پول فروش نفت را هرگاه که دلشان بخواهد و در طریقی که دوست داشته باشند به ما پرداخت کنند، مجموعه بزرگی از نامنی و هزینه را به کشورمان تحمیل می‌کنند و از همه بدتر روال‌های عادی را به روال‌های غیرعادی تبدیل می‌کنند و همه نوع فساد از آن زاییده می‌شود (مانند اجبار به استفاده از صرافی به جای بانک (در چنین شرایطی فقط افراد و سازمان‌هایی قدرت کار کردن دارند که در مدیریت روال‌های غیرعادی تبحر یافته‌اند و این‌گونه می‌شود که تشخیص خوب از بد و نظارت بر اجرای قوانین مفهوم خود را از دست می‌دهد و این اتفاق در حالی به وقوع می‌پیوندد که طبق مقررات بین‌المللی مجبوریم انطباق اعمال خود با قوانین بین‌المللی (Compliance) را ثابت کنیم.

در بخش صادرات شرایط پیچیده‌تر می‌شود. زیرا از یک طرف قادر نیستیم کالاهای تولیدی را در حداقل قیمت با بهترین کیفیت تولید کنیم و امکان رقابت داشته باشیم و از طرف دیگر دسترسی به بازارهای صادراتی بسیار پرهزینه یا غیرممکن می‌شود. به همان دلیل بسیاری از تولیدکنندگان کشور مجبورند کالای صادراتی خود را به بازار ثالثی صادر کنند و در همان محل اسامی در روی بسته‌بندی را تعویض کرده و به نام کشور دیگری کالای خود را به بازار هدف صادر کنند. کالایی که به دلیل هزینه‌های تحمیل‌شده بسیار گران تمام شده و فقط با سوبسید دولت قابل صدور است. در چنین شرایطی صادرات که جان‌مایه رشد اقتصادی است رو به کاهش می‌گذارد همان‌گونه که آمار صادرات کالایی کشور ما هم در چند سال اخیر رو به کاهش بوده و پیش‌بینی می‌شود در سال

جاری و آینده نیز بیش از پیش کاهش یابد. توجه داشته باشیم که صادرات کالا می‌تواند انگیزه برای تولید را افزایش دهد و افزایش تولید است که منجر به افزایش اشتغال می‌شود. برای مقایسه توجه داشته باشیم که صادرات کالا (به جز پتروشیمی و میعانات) در سال گذشته کمتر از ۲۰ میلیارد دلار بوده، در حالی که صادرات ترکیه با جمعیتی معادل ایران در سال گذشته بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار بوده است. تاثیر روابط بین‌المللی مناسب در صادرات ایران و ترکیه به‌خوبی قابل مشاهده است. زمینه دیگر خرید تکنولوژی است. برای خرید ماشین‌آلات و تکنولوژی از کشورهای دیگر نیاز به روابط بانکی گسترده است. در فقدان این‌گونه روابط امکان تامین مالی برای خرید از دست می‌رود ضمن آنکه به بهانه‌های مختلف از فروش تکنولوژی به ما خودداری می‌شود. عدم توفیق در خرید هواپیما نشانه مناسبی از این محدودیت است.

حتی یک بنگاه کوچک بدون در اختیار داشتن روابط بین‌المللی روان نمی‌تواند به کار خود ادامه دهد. اکثر واحدهای کوچک یا متوسط مجبورند ماشین‌آلات یا مواد اولیه خود را از بازارهای دیگر تامین کنند. حتی زمانی که تولیدکننده آن کالا در داخل کشور وجود داشته باشد برخی ترجیح می‌دهند از محل دیگری خرید کنند تا قدرت رقابت خود را بالا ببرند. به علاوه واحدهای کوچک و متوسط نیز فقط نقد خرید نمی‌کنند بلکه عمده آنها از نوعی تامین مالی استفاده می‌کنند. حال بنگاه ایرانی نمی‌تواند به راحتی از خارج خرید کند، زیرا ده‌ها نوع کنترل (مثلاً Dual Use) می‌بایست اعمال شود و عملاً از هیچ‌گونه تامین مالی نمی‌تواند استفاده کنند و از همه بدتر آنکه نمی‌توانند اعتبار اسنادی باز کنند که تضمین‌های لازم را فراهم می‌آورد. اگر ریسک‌های چنین واحدی را اندازه‌گیری کنیم قطعاً توصیه به عدم انجام معامله می‌کنیم یا آنقدر هزینه ریسک بالاست که خرید کالا یا مواد صرفه اقتصادی نخواهد داشت.

اقتصاد ما در چنین شرایطی ادامه حیات داده، به امید آنکه تحریم‌ها پایان خواهند یافت و از زمانی که برجام امضا شد همه امیدها آن بود که روال‌های عادی به زندگی تجاری باز خواهند گشت ولی آنچه انتظار بود فراهم نشد.

### چه کسانی مانع تحقق این امیدها و انتظارات شدند؟

اینکه به دنبال مقصر بگردیم مساله‌ای را حل نمی‌کند ولی می‌دانیم که ادامه این شرایط رشد و توسعه به وجود نمی‌آورد و لشکر بیکاران هر روز بزرگ‌تر خواهد شد. به نظر می‌رسد قبل از آنکه بر سر روش‌های اقتصادی بحث کنیم لازم است توجه خود را بر چگونگی تغییر در روابط خارجی متمرکز گردانیم. تا زمانی که روابط بین‌المللی را متناسب با نیازهای تجاری-صنعتی تغییر ندهیم، رونق به کسب‌وکارها برنخواهد گشت و تولید و تجارت روزبه‌روز محدودتر خواهد شد.

خطر اعتراض‌های مردمی هر لحظه ثبات کشور را تهدید می‌کند. در تحقیقی که یکی از موسسات مطالعاتی دولتی انجام داده، نتایج قابل توجهی به دست آمده است. ممکن است تصور خیلی‌ها این باشد که اعتراض‌های اخیر با فقر و نابرابری بیشترین همبستگی را داشته‌اند، در حالی که بر اساس تحقیقات این موسسه دولتی، دلیل اصلی و شاید پیشران ثانویه اعتراض‌ها، بیکاری جوانان تحصیل کرده بوده است. جوانان تحصیل کرده که با هزار امید قالیچه‌های زیر پای پدر و مادرشان را فروخته‌اند تا هزینه تحصیل خود را فراهم آورند، امروز از مسوولان کشور انتظار دارند که زمینه کار برایشان فراهم آید و این خواسته حداقل نیاز یک جامعه است. مشابه این اتفاق در مصر رخ داد و در این کشور هم، جوانان بیکار تحصیل کرده بیشترین نقش را داشتند.

مساله خیلی ساده است. ما برای اینکه بیکاری را کم کنیم، نیاز به رشد اقتصادی بالا و پایدار داریم. رشد اقتصادی پایدار هم نیاز به سرمایه دارد. بخش مهمی از این سرمایه باید از خارج تامین شود و ما برای اینکه بتوانیم این سرمایه را جذب کنیم، باید رابطه خوبی با جهان داشته باشیم.

بحث‌های فنی اقتصادی بسیار راهگشاست ولی اولویت امروز بحث درباره چگونگی برقراری روال عادی بین‌المللی است تا کشاورز سیستمی یا کرمانی یا مازندرانی بتواند با خیال راحت محصول خود را به بازار مورد علاقه صادر کند و گردش کار خود را تامین مالی کند. اگر همه تکنیک‌های اقتصادی به درستی در جای خود قرار گیرند ولی روابط بین‌المللی تصحیح نشود، گردش کالا به رشد و توسعه منجر نمی‌شود و اشتغال جدید به وجود نمی‌آید. بازارهای داخلی بیش از آنچه فکر کنیم محدود هستند و انتظارات جامعه را نمی‌توانند برآورده سازند.

چند سال پیش در مقاله‌ای تاکید کردم که مزیت سوق‌الجیشی کشور ما تجارت است و به همین دلیل ایرانیان بیشتر به تاجر خوب بودن معروف‌اند تا صنعتگر مجرب بودن. بنابراین اگر بخواهیم از موقعیت سوق‌الجیشی کشور برای رفاه بیشتر استفاده کنیم، می‌بایست جریان ترانزیت کالا از کشور را گسترش دهیم که لازمه آن گسترش بنادر، جاده‌ها و وسایلی است که ترانزیت را ساده و سهل و امکان‌پذیر می‌کند. گسترش ترانزیت نیاز به اعتمادسازی با همسایگان دارد که در شرایط فعلی لطمه دیده‌اند. قدرت دیپلماسی کشور در آینده ثابت خواهد کرد که تا چه حد می‌تواند نیاز به توسعه جامعه را جوابگو باشد.

**به خطر اعتراض‌های مردمی که ثبات کشور را تهدید می‌کند اشاره کردید. به نظر شما با تداوم شرایط کنونی و با وضعی که در زمینه برونگرایی به آن دچار هستیم، چه خطراتی آینده کشور را تهدید می‌کند؟**

تجربه سیاسی خانوادگی من می‌گوید در جامعه‌ای که فقر با توزیع نامناسب ثروت و درآمد و فساد همراه شود و امید به بهبود را از جامعه بگیرد، مبارزه قهرآمیز (در سابق چریکی) ریشه می‌دواند و دل‌باختگی به ایدئولوژی‌های مبارزه‌طلب و عموماً ویرانگر را به اقبال می‌آورد. این‌گونه گرایش‌ها زمانی که دریچه‌های تخلیه مسدود است و راه برای ابراز اعتراض‌های مسالمت‌آمیز بسته می‌ماند، به سرعت تبدیل به تخلیه روانی-عصبی می‌شود. اعتراض‌های اخیر در کشورمان به نظر می‌رسد از همین‌گونه باشند. نشانه‌های ابتدایی حاکی از آن است که جوانان شهرستان‌ها و روستاها که اغلب هزینه تحصیل خود را از محل فروش وسایل ساده زندگی چون فرش زیر پای خانواده، تامین کرده‌اند، از بیکاری، فقر و خجالت در مقابل خانواده و جامعه به عصبان آمده‌اند و کاسه صبرشان لبریز شده است و در نتیجه با اشاره‌ای، حاضر به زیر پا گذاشتن خویشتن‌داری فرهنگی شده‌اند.

**برای پیشگیری از این خطرات چقدر زمینه فراهم است؟ اساساً آیا برای برونگرایی به پیش‌زمینه‌های خاصی نیاز داریم؟ در حال حاضر چقدر این زمینه‌ها در اقتصاد ایران فراهم است؟**

همان‌گونه که اشاره کردم فقدان رابطه روان با همسایگان و کشورهای تامین‌کننده مایحتاج کشور دو مشکل عمده به وجود می‌آورد. از یک طرف هزینه تولید بسیار بالا می‌رود و محصولات تولیدی قدرت رقابت خود را از دست می‌دهند و کشور به صورت روزافزونی به واردات روی می‌آورد که نتیجه آن بیکاری گسترده است و از طرف دیگر فساد در لابه‌لای فعالیت‌ها رخنه می‌کند و چون سرطانی تمام وجود کشور را فرامی‌گیرد.

اگر کشور نسبت به این دو مشکل حساس باشد، طبیعتاً باید راه‌حلی برای برقراری روابط روان با دیگر کشورها پیدا کند. اگر حساسیت وجود نداشته باشد، فساد چون موریانه بافت‌های ارتباطی را از بین می‌برد و بیکاری گسترده به شورش‌های خیابانی تبدیل خواهد شد. معمولاً هیچ دولتی آماده برای مواجهه با چنین اتفاقاتی نیست و بنابراین می‌توان انتظار داشت که روزی ریشه‌ها شناخته شوند و به جای پرداختن به معلول (فساد و بیکاری) به علت‌ها که همان روال‌های غیرعادی تجارت و صنعت در کشور است پرداخت.

متأسفانه تا به حال جامعه کارشناسی کشور ما به ریشه‌های اصلی مشکلات که همان فقدان رابطه سالم، قانونمند و روان با کشورهای طرف مبادله است نپرداخته و بیشتر معلول را مورد دقت قرار داده است. ولی در چند ماه اخیر توجه به اهمیت رابطه با خارج کشور روشن‌تر شده و تصور من آن است که مسوولان کشور به این امر مهم توجه بیشتری خواهند کرد. عادی‌سازی روابط نیاز به دیپلماسی قوی سیاسی - اقتصادی دارد که تخصص و تجربه آن در کشور وجود دارد.

### **موانع کنونی سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در اقتصاد ایران بیشتر از جنس موانع سیاسی است یا مشکلات ساختاری؟**

معمولاً سرمایه به محلی سرازیر می‌شود که در درجه اول امنیت داشته باشد و در درجه بعدی به فعالیتی مشغول شود که سودآور باشد. نوع روابط ما با کشورهای خارجی و منابع تامین‌کننده سرمایه تعریف‌کننده امنیت سرمایه‌گذاری است. اگر نکول در تعهدات نداشته باشیم و خروج سرمایه و سودهای مربوطه به راحتی قابل جابه‌جا شدن باشند، امنیت برای حرکت سرمایه فراهم آمده است. ولی سودآوری فعالیت‌ها بستگی به محیط کسب‌وکار در داخل کشور دارد. اگر محیط کسب‌وکار، فضای کافی برای رقابت سالم را فراهم نیاورد یا موانع تولید آنچنان باشد که بهره‌وری سرمایه ناچیز شود، سرمایه‌گذار به آن کشور نخواهد آمد.

ما در هر دو زمینه مشکل داریم. روابط روان با کشورهای طرف مبادله و بانک‌ها نداریم. بنابراین سرمایه علاقه‌ای به نفوذ در کشور ما ندارد. به علاوه محیط کسب‌وکار هم در کشور ما نامساعد است و بنابراین فعالیت‌ها نمی‌توانند سودآور باشند مگر از رانت استفاده کنند.

تصور من آن است که اگر روابط خارجی سامان یابند، محیط کسب‌وکار داخلی هم شروع به بازسازی و نوسازی خواهد کرد.

### **راه برون‌رفت از این وضعیت و گذر از موانع برون‌گرایی چیست؟**

راه برون‌رفت، آشنایی بیشتر مسوولان کشور با مکانیسم‌های مبادلات تجاری و صنعتی است. برخی از مسوولان کشور هیچ‌گاه تجربه گرداندن یک بنگاه را نداشته‌اند. البته وجود دارند مسوولانی که بدون بنگاه‌چرخی به رموز کار آشنا هستند ولی تصمیماتی که در کشور اتخاذ می‌شود نشانه قوی از عدم اطلاع تصمیم‌گیران یا تصمیم‌سازان از سازوکار فعالیت‌های اقتصادی دارد. زیرا بسیار بعید است که فردی حاضر باشد چنین هزینه هنگفتی را به جامعه تحمیل کند بدون آنکه رهیافت مهمی در جهت تامین منافع ملی به دست آورد. اگر در زمینه‌های بین‌المللی چون مشکلات داخلی بحث کافی صورت گیرد، توجه مسوولان به اهمیت موضوع جلب و قطعاً تصمیم مناسب اتخاذ خواهد شد.